به مناسبت میلادبا سعادت امام زمان حضرت ولی عصر عجل ا... تعالی فرجه الشریف

وعده ظهور موعود و اعتقاد به منجی در ادیان آسمانی مشترک است. انتظار مصلح کل و موعود منتظَر از ویژگی های مختص دین اسلام نیست، بلکه همه ادیان و مذاهب و کیش های آسمانی مانند زرتشت، یهودیت و مسیحیت آن را پذیرفته‌اند و چه بسیار محنت‌ها را با اعتقاد به ظهور منجی بر خود هموار ساخته‌اند. اما تمایز و ویژگی منحصر به فرد شیعه در این اندیشه این است که در مکتب تشیع «منجی موعود» صرفاٌ به عنوان یک آرمان که آرمان‌شهری از داد و قسط برپا می‌کند، مطرح نیست، بلکه موعود شیعه، تداوم بخش رسالت انبیا، وارث اولیای الهی و در یک کلام «حجت خدا» بر روی زمین است؛ حجتی که زنده، شاهد و ناظر بر اعمال آدمیان است و بنابراین نقش او در زندگی فردی و اجتماعی انسانها تنها به آخرالزمان و زمان ظهور منحصر نمی شود و وجود او در لحظه لحظه زندگی ساکنان زمین نقش دارد. حجت در لغت «حجت » در لغت به معنی دلیل، برهان و راهنما است. به عبارت دیگر آنچه به آن دعوی یا مطلبی را ثابت کنند. در برخی از آیات قرآن به واژه حجت اشاره شده است، برای مثال رسلا مبشرین و منذرین لئلا یکون للناس علی الله حجة بعدالرسل و کان الله عزیزا حکیما (نساء،165): پیامبرانی مژده دهنده و بیم دهنده تا از آن پس مردم را بر خدا حجتی نباشد و خدا پیروزمند و حکیم است.

انبیا «حجت » خدا بر مردم اند و با آمدن آنها دیگر کسی نمی تواند در درگاه خدا مدعی شود که چرا راه مستقیم را به ما نشان ندادی.

 و آیه قل فلله الحجة البالغة فلو شاء لهدیکم اجمعین (انعام، 149): بگوخاص خداست دلیل محکم و رسا، اگر می خواست همه شما را هدایت می کرد.

در روایات شیعه نیز «حجت » جایگاه خاصی دارد تا آنجا که مرحوم کلینی در مجموعه گرانقدر «الکافی » بخشی دارد با عنوان «کتاب الحجه» که در آن با بیان دهها روایت به موضوع حجت پرداخته است. برای نمونه امام علی، علیه السلام، در بیان ضرورت وجود حجتهای الهی میفرماید اللهم بلی، لا تخلواالارض من قائم لله بحجه اما ظاهرا مشهورا، و اما خائفا مغمورا، لئلا تبطل حجج الله و بیناته: بلی، زمین تهی نماند از کسی که حجت بر پای خداست، پایدار و شناخته است و یا ترسان و پنهان از دیده هاست. تا حجت خدا باطل نشود و نشانه هایش از میان نرود...

امام باقر، علیه السلام، در روایتی می فرماید: و الله ما ترک الله ارضا منذ قبض آدم، علیه السلام، الا و فیها امام یهتدی به الی الله و هو حجته علی عباده، و لا تبقی الارض بغیر امام حجته لله علی عباده: به خدا سوگند که خداوند از روزی که آدم، علیه السلام، قبض [روح] شد، هیچ سرزمینی را از پیشوایی که [مردم] به وسیله او به سوی خدا هدایت می شوند، خالی نگذاشته است. این پیشوا حجت خدا بر بندگانش است و هرگز زمین بدون امامی که حجت خدا بر بندگانش باشد، باقی نمی ماند.

امام صادق، علیه السلام، نیز در این باره می فرماید: ان الحجة لا تقوم لله عز و جل علی خلقه الا بامام حتی [حی] یعرف: حجت خدا بر آفریدگانش تنها با امام [زنده ای]که شناخته شود، اقامه می شود.

همچنین آن حضرت در پاسخ این پرسش که: «آیا زمین بدون امام باقی می ماند؟» می فرماید لو بقیت الارض بغیر امام لساخت: اگر زمین بدون امام بماند، [اهلش را] در خود فرو می برد.

امام هادی، علیه السلام، نیز می فرماید: ان الارض لا تخلو من حجة و انا والله ذلک الحجة: زمین هرگز از حجت خالی نمی ماند و به خدا قسم من آن حجت هستم.

با کنار هم نهادن این آیات و روایات و دو آیه قرآن: وَنُريدُ أَن نَمُنَّ عَلَى الَّذينَ استُضعِفوا فِي الأَرضِ وَنَجعَلَهُم أَئِمَّةً وَنَجعَلَهُمُ الوارِثينَ: و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. (قصص، 5) و آیه وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ: و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد. (انبیاء، 105) با استدلال عقلی و یاری گرفتن از نقل (روایات بسیار از رسول اکرم تا امام حسن عسکری) و بحث‌های کلامی بزرگان شیعه و حتی برخی بزرگان منصف در میان اهل سنت امام دوازدهم، صاحب العصر و الزمان را حجت خدا بر روی زمین دانسته‌اند که پس از دوران غیبت، ظهور خواهد کرد و این ظهور فرجی است برای اهل حق و عافیت و نصر است برای منتظران حضرتش. شیعه از دوران غیبت در لحظه لحظه حیات خود در پی شناخت حقیقی امام خود و حجت خدا بر روی زمین است؛ انتظار عملی در فعل و فکر وظیفه یک شیعه راستین است. انتظار «حجت » انتظاری است زنده و پویا که می تواند در لحظه لحظه حیات آدمی جاری شود و زندگی فردی و اجتماعی او را متحول سازد. به بیان دیگر انتظار «حجت » تنها به زمان «آینده » مربوط نمی‌شود بلکه زمان «حال » را هم در برمی گیرد. انتظار حجت الهی صرف انتطار منفعلانه برای ظهور یک منجی و مصلح نیست، بلکه متضمن نوعی جهاد پیوسته است. این جهاد، در در درجه اول جهاد اکبر است و مراقبت از نفس و این منشأ تحول در فرد و جامعه است. جامعه شیعی، جامعه‌ای است که هم شوق ظهور دارد، هم تمنای وصل و هم تکاپو و جهاد به کف آرودن لیاقت و شایستگی.

**اللهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک ضللت عن دینی**